خبر

ضرورت آبگیری سریعتر آب بندان ها گلستان

معاون حفاظت و بهره برداری شرکت آب منطقه ای گلستان از کشاورزان و پرورش دهندگان ماهی خواست که با توجه به کاهش بارش ها و استمرار خشکسالی، نسبت به پاکسازی مخازن و آبگیری سدهای کوچک مخزنی و آب بندان ها از هم اکنون اقدام کرده و منتظر وقوع سیلاب های اسفند و فروردین نباشند. به گزارش ایرنا، سید محسن حسینی گفت: با توجه به وضعیت اقلیمی و با وجود بارش های تجمعی سال جاری که مشابه درازمدت است، ولی میزان رواناب رودخانه ها کاهش یافته و ممکن است این روند کماکان ادامه داشته باشد، لذا صاحبان این آب بندان ها می بایست مدت زمان آبگیری را طولانی کنند تا به میزان آب مورد نیاز دست یابند. به گزارش ایرنا آب بندان ها و سدهای کوچک مخزنی در کنار اراضی کشاورزی گلستان ایجاد می شود و دارای کاربرد دو منظوره است، از آب این بخش در فصل کشاورزی برای زراعت و در دیگر ایام سال به منظور پرورش ماهی بهره برداری می شود. معاون آب منطقه گلستان همچنین اظهار کرد: کشاورزان و پرورش دهندگان ماهی که دارای پروانه بهره برداری برای سال ۹۶ هستند، نسبت به پاکسازی مخازن و آبگیری مجدد سدهای کوچک مخزنی و آب بندان های دو منظوره و پرورش ماهی برای سال جاری اقدام کنند. به گفته وی؛ کشاورزان وپرورش دهندگان ماهی قبل از آن نسبت به پرداخت آب بها و تجدید پروانه سال آبی ۹۷-۹۶ خود با مراجعه به امورها و ادارات منابع آب شهرستان ها اقدام نمایند. وی تصریح کرد: پروانه های بهره برداری بر اساس قوانین و مقررات دارای اعتبار یک ساله است و در موعد مقرر می بایست ضمن انجام مفاصا حساب تمدید شود.

افزایش مرگ ناشی از سوء مصرف موادمخدر در گلستان

اداره کل پزشکی قانونی گلستان اعلام کرد: سوء مصرف موادمخدر در هشت ماه فروردین تا آبان امسال باعث مرگ ۲۲ نفر در استان شد که افزایش ۴۶,۷ درصدی نسبت به مدت مشابه ۹۵ دارد. به گزارش ایرنا، سال گذشته در این فاصله زمانی ۱۵ نفر براثر سوء مصرف موادمخدر جان باخته اند. پزشکی قانونی گلستان، جانباختگان امسال سوءمصرف مواد مخدر را شامل ۱۷ مرد و ۵ زن اعلام کرد. تلفات مصرف و سوءمصرف موادمخدر در هشت ماه منتهی به آبان ۹۵ شامل ۱۱ مرد و چهار زن بوده است. این اداره کل اعلام کرد: این آمارها براساس پرونده های ارجاعی و تعیین علت فوت است.

برگزاری کارگاه آموزشی صیانت و کارآفرینی منطقه یک کشور در گرگان

کارگاه آموزشی صیانت و کارآفرینی با موضوع «از ایده تا بازار» ویژه سازمان های مردم نهاد منطقه یک کشور در گرگان در حال برگزاری است. به گزارش ایرنا، دبیر شورای مبارزه با مواد مخدر گلستان درآغاز این کارگاه گفت: هفت دوره کلاس آموزشی در قالب این کارگاه برگزار می شود و مدیران و کارشناسان سمن ها و تشکلهای غیردولتی فعال در حوزه مواد مخدر هشت استان قم، قزوین، تهران، البرز، سمنان، تهران، مازندران و گلستان در آن حضور دارند. محمودرضا روحانی فرد اظهار کرد: اصول کارگاه معارفه و پیش آزمون سازمان های مردم نهاد کارآفرین، ایده یابی، از خلاقیت تا نوآوری، بررسی تقاضاهای موثر در بازار، تعیین بازار هدف، تجاری سازی یک ایده فناورانه و مهندسی فروش با رویکرد مزیت سازی از جمله کلاس های این دوره است.

کارگران قربانی حوادث ساخت وساز

در هشت ماهه امسال صدمات ناشی از کار در استان ۳۴.۴ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته و بیشتر این حوادث در کارگاه های ساختمانی رخ داده است. به گزارش ایرنا، هرساله در استان، تعدادی کارگر قربانی حوادثی می‌شوند که به کشته شدن یا از کارافتادگی آن‌ها می‌شود.طبق آمارهای اعلام شده از در سایت پزشکی قانونی گلستان، در هشت ماهه امسال حوادث صدمات ناشی از کار نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۴.۴ درصد افزایش داشته است. بر اساس همین آمار تعداد مراجعان به پزشکی قانونی ۲۹۳ نفر اعلام شده است که از این تعداد ۲۸۲ نفر مرد و ۱۱ نفر زن بوده‌اند. شهریور امسال هم از سوی همین اداره کل اعلام شد که تعداد مراجعات حوادث ناشی از کار در سراسر استان ۵۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش پیدا کرده است. سال گذشته هم آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حاکی از آن بود که گلستان با دارا بودن آمار ۳۰ درصدی، رتبه سوم استان های حوادث منجر به فوت ناشی از کار در کشور را داراست. این در حالی است که براساس بررسی ها، مشاغل ساختمانی در صدر جدول حوادث ناشی از کار منجر به مصدومیت یا فوت قرار گرفته و به رغم برخی تدابیر پیشگیرانه اما این آمار کاهش چشمگیری نداشته است. چندی پیش سعید مازندرانی، مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان، حوادث ناشی از کار را یکی از پرهزینه‌ترین آسیب‌های کشور عنوان کرد و گفته بود که طبق برآوردهای انجام شده ۵۴ هزار میلیارد ریال هزینه آسیب‌های ناشی از کار در کشور است که بسیاری از این حوادث به دلیل رعایت نکردن نکات ایمنی و کم‌توجهی به این نکات از سوی کارگر و یا کارفرما رخ داده است.

۶۰ درصد حوادث شغلی مربوط به مشاغل ساختمانی است

رئیس اداره بازرسی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان با بیان این که ۶۰ درصد حوادث رخ داده ناشی از کار که در سال‌جاری منجر به صدمه و یا فوت کارگران شده، در رابطه با مشاغل ساختمانی بوده، گفت: با توجه به اینکه در برخی از فصول سال صنعت ساختمان سازی نسبت به دیگر مشاغل از رونق بیشتری برخوردار است، این حوادث در این بخش آمار بالاتری را به خود اختصاص داده است. مهدی اخوان افزود: در رابطه با فوتی‌های ناشی از کار هم کارگران ساختمانی بالاترین آمار را در این جدول دارند، به گونه‌ای که سال گذشته از تعداد ۱۱ کارگر فوت شده، ۹ نفر از آنان کارگران ساختمانی بوده‌اند. اخوان گفت: نامناسب بودن داربست‌ها، راه پله‌ها و نورگیرهای بدون حفاظ، موجب شده تا تعداد زیادی از کارگران ساختمانی به دلیل سقوط از ارتفاع مصدوم یا فوت شوند. وی با اشاره به اختلاف آمار سازمان‌های متولی در رابطه با حوادث ناشی از کار گفت: پزشکی قانونی این آمار را بر اساس تعداد مراجعه کنندگان شاغل بررسی می‌کند، سازمان تامین اجتماعی از وضعیت کارگر بیمه شده و این اداره کل، کارگران شاغل در کارگاه‌ها را ملاک ارزیابی این آمار قرار می‌دهد. رئیس اداره بازرسی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان افزود: یکی از دلایل افزایش حوادث ناشی از کار که منجر به فوت یا مصدومیت شده است، حادثه معدن یورت در اردیبهشت ماه امسال بود که تاثیر زیادی بر این آمار داشت. وی ادامه داد: در ۹ ماهه امسال هم تعداد حادثه‌ها ۱۶ درصد کاهش داشته است، اما تعداد حادثه دیدگان که بسیاری از آنان در معدن یورت فوت شدند، افزایش۴۶ درصدی دارد. اخوان گفت: تعداد فوتی‌های ناشی از حوادث کار در ۹ ماهه سال گذشته ۸ نفر بود که به غیر از کشته‌شدگان معدن یورت این رقم در مدت مشابه امسال به ۴ نفر کاهش پیدا کرده است. رئیس اداره بازرسی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان، افزود: آمار نشان می‌دهد که چنانچه حادثه معدن یورت بر اثر بی‌احتیاطی و رعایت نکردن نکات ایمنی رخ نمی‌داد، دچار افزایش فوتی ناشی از حوادث شغلی نبودیم. وی با بیان اینکه از ابتدای سال تا کنون حدود ۶ هزار و ۵۲۳ مورد بازدید از کارگاه‌های مختلف استان صورت گرفته، تصریح کرد: در پی این بازدیدها تعداد ۲۲ کارگاه توسط بازرسان که ضابطان قضائی هستند، تعطیل شده است، اما از این تعداد پنج کارگاه معدنی و سه کارگاه ساختمانی با حکم قضائی تعطیل شده‌اند. اخوان افزود: از ابتدای سال تاکنون ۴۶ درصد حادثه ها به بخش ساختمان، ۲۸ درصد صنعت و پنج درصد به بخش معدن اختصاص دارد.

امضای تفاهم نامه ۵ جانبه

وی از امضای تفاهم نامه با پنج دستگاه متولی در رابطه با کاهش حوادث ناشی از کار سخن خبرداد و افزود: این تفاهم نامه پنج جانبه در راستای جلوگیری از جزیره‌ای عمل کردن دستگاه‌های متولی در رابطه با حوادث ناشی از کار به امضا رسیده است. وی ادامه داد: ۱۷۰ نفر از مهندسان سازمان نظام مهندسی ساختمان استان برای این اجرای این طرح شناسایی و برای آنان دوره‌های تخصصی دیده شده است.وی گفت: این طرح در سه شهرستان گرگان، علی آباد و گنبد برای مسئولان ایمنی کارگاه‌ها از جمله کارگاه‌های ساختمانی گذاشته خواهد شد.

۴۵ هزار کارگاه با ۱۵ نفر بازرس

در حالی که رئیس اداره بازرسی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان از افزایش بازرسی‌ها نسبت به سال‌های قبل خبر داده است، اما دبیر اجرائی خانه کارگر گلستان تعداد بازرسان فعلی را برای بازرسی‌های مدام و افزایش ضریب ایمنی کارگران کافی نمی‌داند. غلامرضا طالبا با بیان اینکه فقط تعداد ۱۵ بازرس بر کارگاه‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی در استان نظارت می‌کنند، گفت: در سراسر استان حدود ۴۵ هزار کارگاه فعال و نیمه فعال در استان وجود دارد که این تعداد بازرس امکان بازرسی کامل همه این کارگاه‌ها را ندارند. وی ادامه داد: با توجه به اینکه سال گذشته بخش صنعت با رکود مواجه شد، در نتیجه حوادث منجر به صدمه یا فوتی در بخش ساختمانی بیشتر نمود پیدا کرده است. وی افزود: بخش زیادی از آمار فوتی‌ها و مصدومان ناشی از کار به حادثه معدن یورت باز می‌گردد که چنانچه برای بازرسی بسیاری از کارگاه‌ها و حتی دیگر معادن استان تدابیر بازرسی کاملی اندیشیده نشود، ممکن است حوادث دیگری گریبان کارگران استان را بگیرد. وی گفت: در بسیاری موارد بازرسان هم با مشکلاتی چون همکاری نکردن مسئولان برخی کارگاه‌ها و یا برخوردهای نامناسب روبرو می‌شوند که کار به اجبار به سمت استفاده از حکم قضائی هدایت می شود.طالبا با بیان اینکه بازرسی‌های فعلی شبیه قرص مسکن عمل می‌کند، گفت: بهتر است با برنامه‌ریزی جدید و آموزش اجباری مسئولان فنی کارگاه‌ها نسبت به اجباری شدن رعایت نکات ایمنی اقدام عاجل‌تری انجام گیرد.وی افزود: در بسیاری موارد کم توجهی کارفرمایان نسبت به رفع نقص‌های ایمنی در محیط کار و در اختیار قرار ندادن وسایل ایمنی مورد نیاز به هنگام موجب بروز حوادث است.وی اظهار کرد: سقوط از ارتفاع از عمده‌ترین دلایل حواث ناشی از کار برای کارگران است که نداشتن قلاب کمر به هنگام کار در ارتفاع موجب بروز این حوادث می‌شود.

آموزش، شرط اصلی کاهش حوادث ناشی از کار

برخلاف نظر بسیاری از مسئولان حوزه کارگری در رابطه با افزایش تعداد بازرسان، بسیاری از کارشناسان معتقدند که ۹۵ درصد حوادث ناشی از کار به دلیل فقدان آموزش‌های لازم رخ می‌دهد و در وقوع ۸۵ درصد این حوادث عامل انسانی نقش دارد. یک مدرس مبانی آموزشی ایمنی در محیط کار، با بیان اینکه هم اکنون بسیاری از موارد ایمنی در کارگاه‌های استان رعایت نمی‌شود، گفت: رعایت اصول ایمنی در محیط کار فقط مختص به کارگران نیست و مواردی چون، رطوبت، برق، گاز، مواد اولیه موجود در کارگاه‌ها، حفاظ، سطوح خیس، وجود موانع و تهویه‌ها از مهمترین عوامل کاهش حوادث ناشی از کار است.ابوالفضل حسینی افزود: نمونه‌های وجود چنین معایبی در محیط کار که یک مورد آن در معدن یورت اتفاق افتاد نشان می‌دهد که در برخی موارد به رغم پوشیدن لباس مخصوص کار، کلاه و لوازم ایمنی، رعایت نشدن ایمنی محیط کاری ضررهای بیشتری به کارگران زده است.وی ادامه داد: عامل دیگری که در بحث حوادث کاری به آن بسیار کم‌توجهی می‌شود، بیماری، مشکلات روحی و یا خستگی ناشی از کار است که موجب پایین آمدن توان کاری فرد شاغل و بروز حادثه می‌شود. حسینی گفت: کارگران ساده و کم تجربه که برای کارهای پیش پا افتاده به کار گرفته می‌شوند، بیشتر در معرض این حوادث قرار دارند.وی افزود: حوادث ناشی از کار فقط منحصر به کارگر نیست و بسیاری از کارفرمایان به دلیل کم توانی در پرداخت خسارت‌های فوتی یا نقص عضو در زندان به سر می‌برند.به گفته این کارشناس، آموزش، استفاده از وسایل حفاظت فردی، آشنایی با حوادث مرتبط با کار از جمله مهمترین عوامل پیشگیری از حوادث کاری است.

کارگران قرارداد سفید امضاء، گمنام در آمارها

در حال حاضر آموزش ایمنی در کارگاه‌های مشمول قانون کار الزامی است و بازرسان وزارت کار به جهت رعایت اصول ایمنی، موظفند واحدها و کارگاه‌های تولیدی و صنعتی را مورد بازرسی قرار دهند. این در حالی است که استراتژی وزارت کار ایمن‌سازی محیط‌های کار با استفاده از ظرفیت کارفرمایان است، به نحوی که نیروی کار تخصصی از بین خود کارفرمایان در واحدهای تولیدی به عنوان افسر ایمنی کارگاه مستقر می‌شوند. تامین بهداشت و سلامت کار یکی از وظایف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، اما کمبود تعداد بازرسان نسبت به کارگاه‌های موجود در استان و وحشت از اخراج بسیاری از کارگران در رابطه با اعتراض به اداره کار برای تامین نبودن امنیت در محیط‌های کاری و استفاه از کارگران نابلد، از دلایلی است که موجب شده تا در بسیاری موارد گزارش برخی حوادث ناشی از کار هم هیچگاه به دست اداره کل تعاون، کار ورفاه اجتماعی استان نرسد.در این بین هم کارگرانی هستند که به دلیل کسب روزی حاضر به امضای قراردادهایی شده‌اند، که بعد از وقوع حادثه امکان شکایت و دریافت غرامت را از آنان گرفته است که این مهم نیاز به بازنگری و حمایت همه جانبه از آنان دارد.

تردد معلولان با وسایل حمل و نقل عمومی در گرگان رایگان می شود

عاون زیربنایی، حمل ونقل و ترافیک شهرداری گرگان گفت: تردد معلولان با وسایل حمل و نقل عمومی در گرگان با ارائه کارت معلولیت رایگان می شود. به گزارش مهر، علیرضا حاج محمدعلی، در هفدهمین کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای شهر گرگان اظهار کرد: رفت و آمد معلولان یکی از مشکلاتی است که معلولان هموار با آن سروکار دارند. وی با بیان این که در شهرهای پیشرفته ارزش خاصی برای معلولان قائل هستند، ادامه داد: مناسب سازی معابر و مجموعه مبلمان شهری این شهرها از پایه و اساس درست است ولی در شهرهایی که نیاز به اصلاح است این کار به مراتب سخت تر است. حاج محمدعلی گفت: برجستگی های ریز سطوح، رمپ های بدون استاندارد، دست اندازها و غیره در سطح شهر وجود دارد، شهرسازی مریضی داریم و براساس اصول ساخته نشده است. وی تصریح کرد: آن چه در دانشگاه به عنوان یک اصول شهرسازی می خوانیم در ایران مصداق ندارد. حاج محمدعلی با بیان این که علاوه بر ساخت و ساز باید فرهنگ سازی هم اتفاق بیفتد، خاطر نشان کرد: پل هوایی های شهرک بهارستان و شهرک شهریار را به آسانسور مجهز می کنیم. وی اضافه کرد: بالابر ویلچر کمترین کاری است که برای تردد معلولان توسط ناوگان حمل و نقل عمومی باید انجام گیرد.حاج محمدعلی گفت:بحث بودجه عمرانی شهرداری را به گونه ای تغییر می دهیم تا اهداف این جلسه هم تأمین شود و علاوه بر این تردد معلولان به وسیله اتوبوس با ارائه کارت معلولیت رایگان می شود. وی همچنین نقش آموزش و پرورش را در فرهنگ سازی برای نگهداری از تجهیزات مهم دانست و گفت:اکثر آسیب های وارده به تجهیزات توسط نوجوانان صورت می گیرد و این نشان می دهد که آموزش و پرورش کار خود را به درستی انجام نمی دهد.

گلدهی زودهنگام کشتزارها، کلزاکاران گلستان را نگران کرد

گلدهی زودهنگام و بی موقع مزارع کلزا در گلستان با توجه به شرایط هوایی این روزها باعث نگرانی کشاورزان استان شده است، هرچند برای رهگذران زیبایی و شادابی این گلها بهار را در زمستان تداعی می کند. به گزارش ایرنا امسال دراین استان افزون بر ۶۴ هزار هکتار از مزارع به کلزا اختصاص دارد، کشت این محصول از میانه های مهر هر سال آغاز و تا نیمه های آذرماه ادامه دارد، کلزا اواخر اردیبهشت سال بعد برداشت می شود. در سال زراعی جاری گلدهی زودهنگام مزارع کلزا باعث نگرانی کشاورزان از احتمال کاهش باردهی این محصول در زمان برداشت شده است. یکی از کارشناسان جهادکشاورزی گنبدکاووس با تایید گلدهی زودهنگام کشتزارهای کلزا گفت: برخی از کشاورزان در تماس با جهادکشاورزی نسبت به این مساله ابراز نگرانی کرده و خواستار راهنمایی می شوند. موسی ممشلی افزود: کلزا گیاهچه ای است که مقاومت آن در برابر سرما نسبت به سایر گیاهان زراعی زمستانه بالاتر بوده و امسال گلدهی زودهنگام مزارع در دی ماه به خاطر شرایط آب و هوایی اتفاق افتاده است. وی اظهار کرد: کشاورزان نگرانی از بابت گلدهی کشتزارهای کلزا نداشته باشند اما به آنان توصیه می شود که برای تشکیل خوشه در اواخر اسفند ماه، مزارع زیر کشت را با کود ریزمغذی (دارای پتاس، فسفر، ماکرو، میکرو) تغذیه کنند. رییس گروه پیش بینی و صدور پیش آگاهی های جوی اداره کل هواشناسی گلستان نیز گفت: علت گلدهی کشتزارهای کلزا در استان بالا بودن میانگین گرمای هوا در این فصل نسبت به سالهای قبل و افزایش تعداد ساعت های آفتابی است که باعث شده کلزا یک ماه زودتر از موعد، گلدهی را آغاز کند. محمود محمدقلی پور اظهار کرد: طبق نظر کارشناسان امور کشاورزی، این کشتزارها دوباره گلدهی خواهد داشت و کشاورزان می توانند با کود دهی و تغذیه گیاه با کود و مواد مغذی، کمبود انرژی ناشی از گلدهی را جبران کنند. رییس اداره پنبه و دانه های روغنی سازمان جهادکشاورزی گلستان نیز گفت: امسال گلدهی کشتزارهای کلزا در استان به علت گرمای هوا یک ماه زودتر آغاز شده است. علی موسی خانی افزود: جای نگرانی از بابت گلدهی کشتزارهای کلزا در استان وجود ندارد و طبق پیش بینی هواشناسی استان شاهد یخبندان در ماه های آتی نبوده و باردهی این کشت تهدید نمی شود. وی افزود: بذرهای توزیعی کلزا میان کشاورزان گلستان برای این زراعت در منطقه دشت شامل هایولای ۵۰، ۴۲۰ و ۴۸۱۵، آرجی اف، تِراپل، آگامکس و دلگان و در منطقه کوهستانی زرفان، رُوهان، گارو و اِمکس پاور بوده است. به گفته سرپرست معاونت بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان؛ امسال برای کشت کلزا با ۱۳ هزار و ۵۹۷ کشاورز قرارداد بسته شد. محمدرضا عباسی گفت: کشت کلزا از سوی کشاورزان در ۱۴ شهرستان انجام شده است که گنبدکاووس با ۱۲ هزار و ۳۴۹ هکتار و کلاله با هشت هزار و ۱۷۴ هکتار رتبه های اول و دوم سطح زیر کشت این دانه روغنی را دارند.

آگهی‌های ثبتی

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم هانیه درپرور فرزند عبدالناصر به شماره ملی ۲۰۳۱۰۳۹۳۵۰ با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یکبابخانه بمساحت ۱۴۰ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۵۸۸۲۳۲ الف ۹۴ بپلاک ۳۳۹۰۷ فرعی از ۱ ـ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل دفتر املاک الکترونیکی ۱۶۸۹ ـ ۱۳۹۵ بنام خانم هانیه درپرور فرزند عبدالناصر به شماره ملی ۲۰۳۱۰۳۹۳۵۰ ثبت و صادر گردیده است، و برابر سند رهنی ۱۵۴۸۶۹ ـ ۱۳۹۵/۴/۲۱ دفترخانه ۱۲ گنبد در رهن بانک ملی شعبه گنبد قرار گرفته است و بموجب دستور ۹۵۰۵۱۶ ـ ۱۳۹۵/۵/۲۷ دادیار شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب گنبد بازداشت گردیده است بعلت جابجایی مفقود گردیده است، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد ـ ۸۶۴۲ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای امیر عظیمی نیا فرزند نادر به شماره ملی ۲۰۳۱۶۷۲۲۰۷ با ارائه وکالتنامه به شماره های ۳۶۱۱۵ ـ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ دفترخانه ۱۰۲ گنبد و با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت مقدار یک سهم مشاع از ۹ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۳۷۳۸۴۸ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۱۱۳۶۰۴ کد ـ ۰۹ ـ ۱۶ بپلاک ۴۵ فرعی از ۱۰ ـ اصلی بخش ۱۱ حوزه ثبتی گنبد ذیل ثبت ۳۱۰۹ ص ۲۴۷ ج ۲۱ بنام خانم منصوره غفاری فرزند مرحوم حسن شماره شناسنامه ۲۹۲ ثبت و صادر گردیده، بعلت اسباب کشی مفقود گردیده ، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد ـ ۸۶۳۹ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام می گردد به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است، دارای پلاک ۱۱۸۵۸ فرعی از ۳ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی اوزینه به مساحت ۲۳۰ مترمربع ملکی آقای سیدحسین حسینی اوزینه فرزند سیداحمد ساعت ۱۱ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ در محل وقوع ملک واقع در گرگان ـ کوی اوزینه ـ کوچه ششم بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاور یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی در ملک مذکور حقی برای خود قائل است می تواند ظرف سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان تسلیم و علاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تقدیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید آنرا ارائه نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۰۷۴ م الف

مفقودی

پروانه بهره برداری مرغ گوشتی به شماره ۲۴۲۵۱ /ص/د واقع در روستای اسبومحله متعلق به خانم معصومه خاندوزی قلی آباد فرزند عباسعلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن‌مهر www.golshanemehr.ir

خبر

۴۰ درصد از زندانیان آلوده به مواد مخدر و قاچاق هستند

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار استان گلستان، گفت: آمار نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از زندانیان، آلوده به مواد مخدر و یاقاچاق هستند.علی اصغر طهماسبی عصر سه شنبه در کارگروه آموزشی صیانت و کارآفرینی با عنوان از ایده تا بازار که با حضور سمن‌های هفت استان کشور در گرگان برگزار شد، اظهار کرد: امروز اعتیاد به عنوان یکی از پنج آسیب اجتماعی پرخطر مورد دغدغه رهبر معظم انقلاب و سران سه قوا قرار گرفته است و ضروری است هر یک از دستگاه‌های متولی نسبت به برنامه‌ها و وظایف خود، اقدامات مهم و اساسی را انجام دهند.وی افزود: سمن‌ها و تشکل‌های غیردولتی با کمک بخش دولتی می‌توانند برای افرادی که گرفتار این مساله هستندبرنامه‌ریزی منسجمی داشته‌باشند.

وی ادامه داد: کار باید به گونه‌ای باشد که حتی در زمان خروج از زندان و بازگشت این افراد به جامعه برای آنان برنامه‌های حمایتی در نظر گرفته شود، زیرا ممکن است این افراد پس از بازگشت به جامعه، دوباره به زندان بازگردند. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان در رابطه با حضور خیران در اجرای برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد، گفت: ضروری است در زمینه جذب خیران مبارزه با مواد مخدر و نجات بیماران در این حوزه تلاش بیشتری انجام شود.وی ادامه داد: باید بپذیریم که یک معتاد بیمار است و بیمار برای بهبودی کامل به مراقبت و حمایت نیاز دارد و یکی از راه‌های پیشگیری و کاهش مصرف مواد، اشتغال افراد بهبود یافته است که نیاز به حضور جدی خیران کارآفرین دارد.وی خاطرنشان کرد: اگر فکری به حال کارآفرینی و بازار کار این بیماران نکنیم، ممکن است این بیمار، نه تنها خود را غرق، بلکه دیگران را هم به این مسیر بکشاند و جمعیت‌شان افزایش یابد. طهماسبی افزود: امروز باید بیش از گذشته فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی را در جامعه نسبت به مواد مخدر و تبعات ناشی از آن نهادینه کنیم و این امر با حضور سمن‌ها، رسانه‌ها و صاحبان قلم میسر است. وی ادامه داد: از سوی دیگر دشمن نیز بیکار ننشسته و با توجه به این که همه راه‌های دشمنی خود با ایران را با شکست مواجه دیده، به سمت مواد مخدر در ابعاد و اجناس مختلف آمده تا جوانان را به آن آلوده کند و از طریق فضای سایبری و رسانه‌ای نیز با سرمایه‌گذاری عظیم بر طبل این مساله می‌کوبد.معاون استاندار گلستان یادآور شد: در اعتراض‌های اخیر، دشمن با برخورد سایبری خود برای نظام اسلامی دست به توطئه زده است، به گونه‌ای که برخی از دستگیرشدگان همان بیماران و اقشار آسیب پذیر جامعه از این بلای خانمانسوز بودند.

کارخانه سیمان گالیکش فاقد آلایندگی هواست

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان با یادآوری اینکه کارخانه سیمان گالیکش سال گذشته در فهرست واحدهای آلاینده استان قرار داشت، گفت: این کارخانه هم اکنون فاقد آلودگی هواست. به گزارش مهر، امیر عبدوس با بیان اینکه این کارخانه در تابستان امسال به مدت سه ماه تعطیل شد، افزود: از مهرماه و پس از اینکه فیلترها تعویض شد و به استاندارد رسید این واحد مجدد فعال شد. مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان با بیان اینکه هم اکنون کارخانه سیمان گالیکش فاقد آلایندگی هواست، ادامه داد: در حال حاضر ابزارهای خوب قانونی برای برخورد با واحدهای آلاینده وجود دارد و آلایندگی واحدها به جد مورد پیگیری قرار می گیرد. وی اضافه کرد: در سه ماهه گذشته یک واحد تولیدی ایزوگام و یک کشتارگاه در محدوده گرگان دارای آلایندگی بودند که مورد برخورد قرار گرفتند. عبدوس از اصلاح ساختار این دو واحد پس از تعطیلی، پلمپ و برخورد قانونی خبر داد و تصریح کرد: از مردم شریف گلستات دعوت می کنیم اگر موردی از آلایندگی هوا در واحدهای صنعتی مشاهده کردند، به شماره ۱۵۴۰ گزارش کنند تا همکاران ما آن را رسیدگی و پیگیری کنند.

حکم شهردار منتخب گرگان تأیید شد

سخنگوی شورای اسلامی شهر گرگان از تأیید شدن حکم شهردار گرگان خبر داد. حسین ربیعی در خصوص وضعیت حکم شهردار منتخب گرگان در گفتگو با مهر اظهار کرد: طی تماسی که با وزارت کشور گرفته شد، مشخص شد که حراست نامه تأییدیه شهردار منتخب گرگان را برای وزارت کشور ارسال کرده است. وی با بیان این که پیش نویس حکم شهردار جدید برای امضاء وزیر کشور در حال آماده شدن است، گفت: انشاالله شاهد امضاء حکم آقای دادبود خواهیم بود.

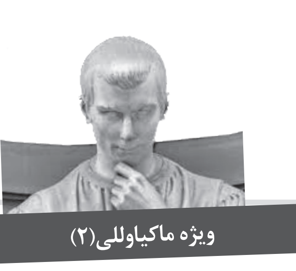

ماکیاوللی:

شهریاری، امنیت، جمهوری

صادق پیوسته

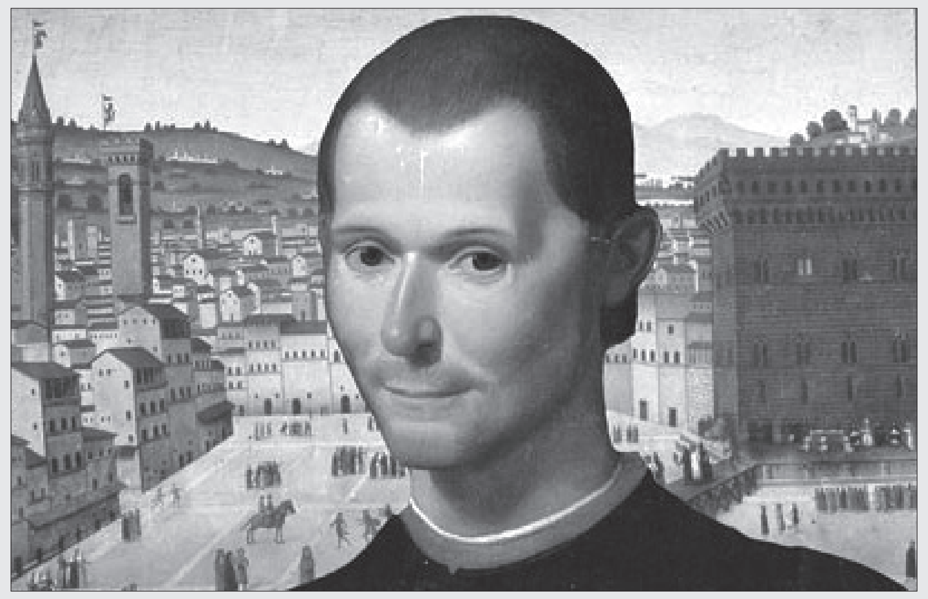

ماکیاوللی معتقد است سیری از هرج و مرج تا حکومت شهریاری و سپس جمهوری در پیشرفت جامعه می‌توان دید و این پیشرفت، مبنای پیشرفت جامعه در سایر امور است. آغاز سیر بهبود هر جامعه‌ی انسانی، در دوره‌ای از امنیت است که طی می‌کند و بدون امنیت، هیچ پیشرفتی قابل تصور نیست. امنیت نیز وابسته به قانون‌مداری است و قانون نه روی کاغذ بلکه در عمل باید پیاده شود و این پیاده‌سازی، خود، نیازمند شرایطی است. افزایش و پایداری قدرت کشور از نظر ماکیاوللی در میزان امنیتی است که حکومت برای شهروندان بار می‌آورد و گذار از شهریاری به جمهوری را سبب می‌گردد. ماکیاوللی، نخست و بیش از هر چیز، هوادار حکومت جمهوری است و در جای جای کتاب گفتارها از جمهوری و پایداری، کارایی و قانون‌مداری این نوع حکومت در مقابل پادشاهی دفاع میکند چرا که در نگاه وی، مردم، خردمندتر و پایدارتر از شهریاران‌اند.او در گفتار۵۹: وفای به عهد، حکومتهای جمهوری را در انواع شرایط، قابل اعتمادتر میداند و این موضوع را با رجوع به موارد تاریخی مختلف نشان میدهد. با اینحال، چرا وی رساله‌ی شهریار را نوشت؟ حمایت وی از پادشاهان به چه دلیل بود؟ شهریاری، مربوط به وقتی است که مردمان در امنیت زندگی نکرده‌اند و تحصیلات کافی ندارند و شعور رأی دادن و پیگیری نتیجه ی انتخاب خود را نیافته‌اند. این شعور در زندگی اجتماعی در سایه‌ی یک تصادف تاریخی مناسب هم چون شهریار دانا ممکن است روی دهد. بنابراین، نظام شاهنشاهی یا جمهوری، به درک شهروندان مرتبط است. اینجاست که راهی دیگر بر مفهوم سیاست مدرن گشوده میشود.ارتباط سامان یافتگی اجتماعی یا همان گونه که بعدها گفته شد، نیروهای مدنی با سیاست، دولت و شیوهی حکومتگری. شهریار، مرام و دستور برنامههای حکومت فردی است برای مردمی نابالغ و برای خونریزی کمتر و آماده ساختن وضعیت کشور به منظور جمهوری و برای انسانهای شایستهتر محسوب میشود.در جمهوری، مسؤولیت امنیت و حفظ قدرت جامعه، به تک تک افراد و آرای آنان وابسته است و نه به فرد حاکم و منابع نیرو توزیع شده اند تا روالی در حفظ قدرت و سعادت جامعه پدید آید. در مقابل، لغزش شهریار در پادشاهی، مردمان را نابود می‌کند. از جمهوری و شهریاری که بگذریم، سرانجام شوم جامعهی رشد نیافته و بخت برگشته که نه افراد مسؤول دارد و نه شهریار، ماندراگولا است. در ماندراگولا، قدرت در چنگ حیله‌گرترین منفعت طلبان می‌افتد چرا که قوانین تنها بر بیچارگان کارگر است و نیرنگ، اساس سیاست می‌شود و مردم دانا از درگیری در آن می‌گریزند گرچه این گریختن نیز خالی‌شدن میدان و بی‌اعتمادی مردم به همه‌ی قدرتمندان است. به واژگان امروزی ما: سیاست، پدر و مادر ندارد! در این وضعیت بی‌سامانی، اهل نیرنگ، شاه‌کلید کارها می‌شوند.ماکیاوللی را پدر سیاست و تحلیل قدرت مدرن دانسته‌اند زیرا وی به تحلیل تجربی قدرت پرداخت یعنی کانون توجه را از این که سیاست چه باید باشد و مدل آرمانی چیست به چیستی قدرت در جهان واقعا موجود، افراد قدرتمند و حکومت‌های مستقرو تاریخ آن‌ها پرداخت. اگر پیشینیان، تنها به شاه، انواع اقشار در جایگاه اعمال قدرت و به طور کلی، قدرتمندان می‌پرداختند و رعیت یا مردمان را متأثر از توافق‌ها و تضادها و نیات حاکم یا حاکمان نشان می‌دادند، ماکیاوللی این تحلیل تک قطبی را به تحلیل دوقطبی بدل کرد. حاکمان می‌خواهند حکومت کنند و مردم تحت حاکمیت آنان قرار می‌گیرند اما این دو قطب بسته به این که چه میزان نیرو داشته باشند، وضعیت‌های مختلفی پدید می‌آورند و باید روابط نیروها را تحلیل نمود. نیروی مطلق حاکم بر مردم، استبداد را می‌سازد. تعادل نیروها در حالتی که مردم رشد یافته‌اند، به جمهوری می‌انجامد. مردم و حاکمان ضعیف، هرج و مرج را پدید می‌آورند و او این وضعیت‌های مختلف دیگری را در تاریخ ملل نشان می‌دهد.ماکیاوللی، سیاستمدار رانده و زندانی‌شده در پی سقوط جمهوری فلورانس، کتاب شهریار را به لورنزومدیچی، شاهزاده‌ای از خاندان‌های حاکم، تقدیم می‌کند تا با نشان دادن شکست‌ها و پیروزی‌ها، راه پیروزی را به شهریار آینده نشان دهد اما قدرت داشتن، همان پیروزی نیست. وی با اشاره به پادشاهی‌هایی همچون کورش در ایران و رومولوس در روم که مردم خود را از نابسامانی به امنیت پایدار رهنمون شدند، شهریاری را متفاوت با استبداد می‌داند و هدف شهریار را پایدار ساختن قدرت با چشم‌انداز امنیت همیشگی می‌شمارد. ماکیاوللی می‌گوید شهریار بر قله است و نمی‌تواند کلیتی از قله را دریابد، چونان که من شهروند در دامنه و دره بر مناظر زیرین اشراف نداریم. پس بر شهریار است که دورنمای جایگاه خویش بر قله را در رساله‌ای همچون شهریار ببیند. امنیت هدف شهریار است تا مردم به صنعت و هنر و تجارت بپردازند و از همه مهم‌تر، هر روز بیش از دیروز، آموزش ببینند و امور را بهتر انجام دهند تا آنجا که صنف‌های نیرومند و ماهر بسازند تا آنجا که بدون شهریار نیز بتوانند امنیت و پیشرفت خود را حفظ کنند و موعد جمهوری برسد. شهریار، واسطه‌ی رشد مردمان است برای برقراری جمهوری است و مستبدی نیست که به فکر حکومت فردی باشد. شهریاری، ایجاد امنیتی است بلندمدت در یک دستگاه حکومتی که روالی را در جامعه ایجاد می‌کند تا مردم به چنان رشدی برسند که با توافق منفعت‌محور، آرای صنوف مختلف خود، امنیت پایداری را پدید آورند. بنابراین، پیدایش شهریار، امری است تصادفی و از بخت بالای مردم کشوری است که وی در آنجا پدیدار می‌گردد. می‌توان پرسید که راز نیروی شهریاری در چیست؟ چرا او می‌تواند جامعه را از ماندراگولا به جمهوری گذر دهد؟ راز این نیرو، هشیاری، حیله‌گری و ثبات قدم شهریار است. او می‌تواند در راه هدف خود، هر کسی را از میان بردارد و هیچ رحمی ندارد. بی‌تردید در برابر اشراف توطئه‌گر، مهاجمان خارجی و مکار، مفسدان ضد انسجام مردم، عوامفریبان فریبکار، غارتگران، شورشگران باج‌خواه و مانند این‌ها، شهریار باید دورویی را بداند، نیرومندترین اسلحه‌ها را داشته باشد، به سنگدلانه‌ترین مجازات‌ها آگاه باشد، در فنون نابود کردن ماهر باشد و بتواند هر یک از این‌ها را به‌جا به‌کار بندد. گفته‌اند که در ماکیاولیزم، «هدف، وسیله را توجیه می‌کند». چنین است اما هدف شهریار، تنها تاج و تخت نیست بلکه هدف غایی او، امنیت عمومی است که بسترساز رشد مردم برای مطالبه‌ی قانون و آزادی است نه این که هر هدفی، هر وسیله‌ای را توجیه کند. برای ساختن قدرت پایدار، امنیت باید حفظ شود اما زور و سلطه، امنیت نمی‌آورد و قدرت را پایدار نمی‌سازد. هم در گفتارها و هم در شهریار، دو چیزند که قدرت را پایدار می‌سازند: قانون خوب و جنگ‌افزار خوب. قانون خوب، متضمن آزادی افراد است یعنی مقرراتی که همه رعایت کنند نه آن که مطابق میل شهریار یا گروه حاکم، تغییر یابد و تنها علیه ضعیفان جامعه قابل اعمال باشد. جنگ‌افزار خوب هم، بهترین جنگ‌افزارهای هر دوره است که دیگران را از اندیشه‌ی تعرض باز می‌دارد. با این حال، شهریار بر خلاف جمهوری که بیشتر بر پایه‌ی قانون خوب است، بیشتر به جنگ‌افزار خوب نیازمند است به ویژه وقتی که خطر تهاجم خارجی وجود داشته باشد. جنگ‌افزار مقدس است برای دفاع و حفظ امنیت؛ قانون مقدس است برای تداوم آزادای افراد؛ فریب‌دادن عوام‌فریبان و فریفتگان‌شان، توسط شهریار لازم است برای تداوم امنیت. به کارگیری وسایلی همچون جنگ‌افزارها، حیله‌ها و خشونت‌ها برای نابود کردن فاسدان و مهاجمان، به‌خودی‌خود یا برای تداوم حاکمیت حاکم، هدف نیستند. هدف غایی، برقراری و حفظ امنیت قلمرو سرزمینی شهریار است برای حفظ امنیت و آزادی. مردم در این بستر رشد می‌کنند و تنها مردم رشدیافته می‌توانند قدرتی پایدار بسازند برای حفظ سرزمین‌شان. هدف شهریار، این است.

معرفی کتاب

کتاب «عباس کیارستمی و فیلم ـ فلسفه» به همّت نشر لگا (Legapress) منتشر شد.

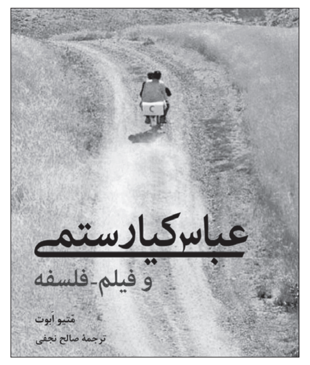

«عباس کیارستمی و فیلم ـ فلسفه» به قلم مَتیو اَبوت در سال ۲۰۱۷ میلادی منتشر شده، و صالح نجفی آن را به فارسی برگردانده است. مَتیو ابوت در ابتدای کتاب آورده است: «هنگامی که این کتاب مراحل نمونه‌خوانی را می‌گذراند عباس کیارستمی از دنیا رفت. باشد که این کتاب ادای احترامی باشد به خاطرهٔ او، و به فیلم‌های عمیق و سرشار از حس شفقت و مودّتی که او برای ما به یادگار گذاشت».

کتاب «عباس کیارستمی و فیلم ـ فلسفه» به یاری وارسی سینمای عباس کیارستمی، فیلم ـ فلسفه‌ای نو و قدرتمند عرضه می‌کند. مَتیو اَبوت نشان می‌دهد فیلم‌های کیارستمی تفکر سینمایی را به میدان عمل می‌آورند. فیلم‌های او صرفاً گزارش مصور بعضی ایده‌های ازپیش موجود فلسفی نیستند بلکه در عمل کار فلسفی می‌کنند، نوعی فعالیت واقعی فلسفی.

اَبوت با عبور از مرزهایی که بین فلسفهٔ تحلیلی (انگلوساکسن) و فلسفهٔ اروپایی ترسیم شده است، از افکار و آرای لودویگ ویتگنشتاین، استنلی کاول، جان مک‌داول، آلیس کرری، نوئل کرول، جورجو آگامبن و مارتین هایدگر بهره می‌گیرد تا تفکر جاری در فیلم‌های متأخر کیارستمی را روشن گرداند: طعم گیلاس، باد ما را خواهد برد، ای‌بی‌سی آفریقا، ده، پنج، شیرین، کپی برابر اصل و مثل یک عاشق. رابرت سینربرینک، استاد دانشگاه مک کواری، دربارهٔ این کتاب نوشته است: «عباس کیارستمی و فیلم ـ فلسفه پژوهشی است روشنگر و تأثیرگذار دربارهٔ یکی از مهم‌ترین فیلمسازان سینمای جهان. اَبوت نه‌تنها کارهای کیارستمی را با باریک‌بینی و موی‌شکافی می‌کاود بلکه گامی پرقدرت و بدیع در مسیر بحث‌های مربوط به اهمیت و معنای فلسفی سینما ـ یعنی، ایدهٔ «فیلم به مثابهٔ فلسفه» ـ برمی‌دارد. خواندن این کتاب برای هرکس که دغدغهٔ فیلم، فلسفه و سینماهای جهان دارد واجب است.» عباس کیارستمی و فیلم ـ فلسفه نشان می‌دهد معنای فلسفی فیلم‌ها بیش از آنکه ناشی از توانایی آن‌ها در برداشتن قدم‌های مثبت در مسیر نظریه‌پردازی باشد ناشی از آن است که فیلم‌ها می‌توانند نظریه‌پردازی را اغوا، تحریک و مؤاخذه کنند. «برگرفته از متن کتاب»: تسلی یعنی دلخوشی‌دادن ـ تسکین‌دادن یا دلداری‌دادن ـ و به‌ویژه سبک‌کردن بار اندوه یا نومیدی. فیلم‌های کیارستمی بدین‌معنی تسلی‌بخش نیستند. فیلم‌های او دقیقاً به لطف توانایی ناامیدکردن‌شان به مقصود خود می‌رسند، در ما میلی برمی‌انگیزند که در نهایت خود از بین می‌برندش. با این‌حال، فیلم‌های او صرفاً نشان‌مان نمی‌دهند که چگونه با محدودبودن دایرهٔ شناخت خویش کنار آییم یا چگونه خود را با این معنی وفق دهیم که هرگز نمی‌توانیم به آن آرامش فلسفی که می‌جوییم یا مایهٔ تسلایی از این نوع دست یابیم. نومیدی مورد نظر به‌هیچ‌روی نتیجهٔ آن نیست که آنچه می‌خواهیم از ما مضایقه می‌شود.

«در زمانه‌ی صلح هرگز امور را سهل مگیر!»

رنسانس؛ در باب جنگ و صلح جاودان

یحیی شعبانی – انگاره‌های عصر رنسانس درباره‌ی جنگ و صلح غالباً به چالش کشیدن اومانیستی سنت مدرسی جنگ مشروع است. رنسانس ایده‌های ایجابی، بسنده و فراگیر درباب توجیه جنگ و اعمال محدودیت اخلاقی بر آن ندارد. اگر رنسانس را دوران گذار از قرون وسطی به دوره‌ی مدرن بدانیم، تقریباً نمی‌توان نظریه‌ای فراگیر در آن یافت که توازنی بین مفاهیم جنگ و صلح ترسیم کرده باشد. در این دوره اساساً یا جنگ دست بالا را دارد یا صلح در معنای مطلق کلمه. می‌توان با کمی ساده‌سازی نظریه‌پردازی برای صلح مطلق یا مفهوم‌سازی برای جنگ مطلق را به ترتیب متعلق به اومانیست‌های شمالی (مثلاً اراسموس) یا اومانیست‌های جنوبی (مثلاً ماکیاولی) دانست. اراسموس (علی‌رغم زبان‌بازی‌های مبهم) اساساً فردی طرفدار صلح است. ماکیاولی اگرچه وضعیت جنگ را وضعیتی هستی‌شناختی و فراگیر می‌داند اما آنچه برای او اهمیت دارد نسبت کلیدی بین جنگ و سیاست و مقید ساختن اولی به دومی است. ماکیاولی علی‌رغم روادانستن استفاده از زور تأکید زیادی بر کنترل و مهار آن دارد و از خشونت نامحدود و نامقید دفاع نمی‌کند. با وجود این، اشتیاق کمی برای صلح در آثار او مشاهده می‌کنیم. اراسموس و ماکیاولی مواضعی متضاد درباب جنگ و صلح دارند اما در چارچوب یک سنت می‌نویسند و با نظر به دو ایده‌ی متمایز: صلح جاودان و جنگ جاودان. با این حال می‌توان این دو فرد را در جهت یک هدف مشترک نیز همگرا دانست: محدود کردن ظلمات جنگ. انگاره‌های جنگ و صلح در رنسانس و نسبت آنها با سنت جنگ مشروع در قرون وسطی جای بررسی بسیار دارد.

ونوس و مارس

رنسانس دوره‌ی خوشبینی عظیم به صلح است. پایان جنگ‌های ۱۰۰ ساله، عهدنامه و صلح لودی (۱۴۵۴) و بسیاری اتفاقات دیگر نویدبخش دورانی مطبوع‌تر بود. اما مانند هر صلحی و در فقدان قیود اخلاقی-سیاسی برای آن جوانه‌های جنگ به تدریج سر از خاک صلح روییدن گرفتند و این تراژدی و پارادوکس صلح محسوب می‌شد. اگرچه جنگ‌های قرون وسطایی بی خشونت و ظلم نبودند، اما از سرشت و دامنه‌ی آنها شدت کمتری داشت. اساساً در انتهای قرن پانزدهم جنگ‌های اروپایی دامنه و خشونت گسترده‌تری یافتند. برای محدودسازی آثار وخیم جنگ طبیعتاً رویکردهایی وجود داشته است اما در خصوص بیهودگی یا اثربخشی آنها نمی‌توان نظری نهایی و قاطع صادر کرد. در فرهنگ و هنر رنسانس بیش از همه جا و به تناوب شاهد پارادوکس‌های جنگ و صلحیم. در هنرهای تجسمی رنسانس معمولاً موضوع صلح و جنگ را با همجواری ونوس (ایزدبانوی عشق و زیبایی در اساطیر رومی) و مارس (ایزد جنگ در اساطیر رومی) به تصویر می‌کشند. بهترین جایی که می‌توان این رویکردها را ملاحظه کرد هنر نقاشی است. در نقاشی «ونوس و مارس» اثر بوتیچللی ونوس درخشان و پیروزمند به مارس که در خوابی عمیق و آرام فرو رفته است می‌نگرد. نکته‌ی جالب در این اثر خلع سلاح مارس توسط ساتیرهای جنگلی است. در نقاشی دراماتیک «پیامدهای جنگ» اثر روبنس نیز ونوس در عین ناامیدی و پریشانی نمی‌تواند مارس وحشی و مخرب را کنترل و مقید کند. این نقاشی‌ها بی‌تردید منطق با بافت تاریخی‌شان باید فهمیده شوند. ونوس و مارس (بوتیچللی) در سال ۱۴۸۳ و در میانه‌ی صلح ایتالیایی لودی ترسیم شده است و پیامدهای جنگ (روبنس) بین سالهای ۱۶۳۸ و ۱۶۳۹ که در میانه‌ی جنگ‌های سی ساله است. به طور کلی دوره‌ی رنسانس دوره‌ی گذار از نظریه‌ی کلامی و قرون وسطایی جنگ مشروع به آستانه‌ی دوران مدرن است و از حیث نظریات مربوط به جنگ و صلح تقریباً می‌توان آن را دورانی فقیر در نظر گرفت. قرون وسطی با نظریات مربوط به جنگ مشروع، قوانین شرع درباب جنگ و کدهای شوالیه‌گری به طور کلی حرف‌های زیادی درباره‌ی جنگ و هدایت آن در اختیار داشت. اما از انتهای این دوره تا شیوع ایده‌های اولیه و نومدرسی مدرن درباب جنگ و صلح و پیدایش قوانین بین‌المللی (گروتیوس) در خصوص جنگ تقریباً دچار فقر نظریه‌ایم. در اینجا شاهد سیلان، هم‌پوشانی و تعامل و بعضاً تزاحم ایده‌ها و گفتارهای مختلفیم. از این حیث می‌توان گفت که سنت جنگ مشروع که سابقه در نظرات آگوستین دارد و به واسطه‌ی آکویناس در قرن سیزدهم بسط یافته است، با وقفه‌ای کوتاه در رنسانس، به شکلی کلاسیک در انتهای قرن شانزدهم ادامه یافت. در این میان می‌توان به طور کلی دو رویکرد متفاوت تشخیص داد. از یک سو شاهد انکار تامّ جنگ به عنوان ابزاری عقلانی و سیاسی هستیم (مثلاً در نمونه‌ی اراسموس) و از سوی دیگر کسانی نیز مبتنی بر جامعه‌ی سیاسی و نه دلایل کلامی-الهیاتی شرایط جنگی را می‌پذیرند (ماکیاولی). نکته‌ی جالب در این میان نسب و تبار مشترک این دو جریان است. هر دوی این جریانات شجره‌نامه‌ای اومانیستی دارند و از این حیث می‌توان هر دو را چالشی اومانیستی با سنت مدرسی و در تحلیل نهایی متعلق به دوره‌ی گذار بین سنت مدرسی و مدرنیته‌ی متقدم دانست.

رنسانس: بحران نظریه و خشونت عریان جنگ

با ضعیف شدن اقتدار اخلاقی کلیسا و دستگاه پاپ در دوره‌ی رنسانس، آموزه‌های قرون وسطایی برای کنترل و محدودسازی جنگ نیز رو به ضعف گذاشت. آنچه در این چارچوب اهمیت فراوان دارد افول نظریه‌ی کلیسای متحد است که روز به روز از اقتدار نظریات قرون وسطایی درباره‌ی جنگ و صلح کاست. نظریه‌ی جنگ مشروع امری منسوخ شده به حساب می‌آمد و در بهترین حالت از آن تعبیر به «حق جنگ» می‌شد در حالی که نزد آگوستین قدیس این نظریه اساساً برای کنترل و مقیدسازی جنگ و خشونت مراد می‌شد. آباء کلیسا که با شرایط جنگی تام و تمام عهد باستان مواجه بودند تلاش کردند در چارچوب نظریه‌ی جنگ مشروع بدان مهار و قید بزنند. نظریه‌ی جنگ مشروع که در آگوستین قدیس سرراست‌ترین بیان خود را یافته بود در طی قرون وسطی شکلی سیستماتیک یافت و حتی پس از وقفه‌ای در دوره‌ی رنسانس در نظریه‌پردازان توماسی انتهای قرن شانزدهم به صورتی کلاسیک ادامه یافت. عصر رنسانس عصر تغییر نظامی و فرهنگی است و مورخان عموماً بر خشونت بی‌رحمانه‌ی رنسانس تأکید کرده‌اند. شوالیه‌گری و سلحشوری تأثیری کلیدی بر جریان جنگ در قرون وسطی داشت اما با افول ارزش‌های فئودالی قدرتش را از دست داد. قانون شریعت نیز وجه کلیش را از دست داد. اما تا طلوع قرن هفدهم که صحبت از کدهای نظامی و قوانین ارتش‌های ملی به میان می‌آید تقریباً نمی‌توان قواعدی برای رفتار در جنگ یافت. عصر رنسانس عصر از دست رفتن هنجارهای قدیمی است در عین حال که هنوز هنجارهای جدیدی جایگزین آنها نشده است. از این حیث عصر رنسانس عصر بحران است و کمتر می‌توان نظریه‌هایی هنجاری درباب جنگ و صلح یافت که بر روی آنها اجماع وجود داشته باشد.

به طور کلی در شمال اروپا، برعکس جنوب اروپا، خوشبینی بیشتری نسبت به صلح وجود داشت ولو در دوره‌ای کوتاه مدت. می‌توان اراسموس را نماد رنسانس در شمال اروپا دانست. خوشبینی اولیه‌ی اراسموس به صلح پیامد انسان‌شناسی و الهیات اوست. انسان در حالتی بی‌دفاع زاده و اساساً برای دوستی آفریده می‌شود نه نزاع. جنگ از حیث انسان‌شناختی و الهیاتی فساد است. برای اعاده‌ی صلح انسان نیازمند آموزش (لطف الهی) و تحقق آرمان‌های اومانیستی (صلح‌طلبی مسیحیت اولیه) است. اراسموس پس از خواندن شهریار ماکیاولی بسیار برآشفته شد و با نگارش کتاب «تربیت یک شهریار مسیحی» واکنش سختی نشان داد. از نظر اراسموس سیاست باید پیگیر صلح و آرامش باشد نه بسط قدرت و پیروزی در جنگ. اراسموس اندکی پس از نگارش جوابیه به ماکیاولی و در پی تقلاهای کارل پنجم و فرانسیس اول برای جنگ رساله‌ای با عنوان «شکوائیه‌ی صلح» نوشت که شاید بیشترین ناسزاها در تاریخ رنسانس را به خود اختصاص داده باشد، هم از جانب کاتولیک‌ها، هم از جانب پروتستان‌ها و هم از جانب سکولارها! اراسموس در این رساله هر جنگی را ناشی از بوالهوسی شهریارانی می‌داند که به نام مردم رودی از خون به راه می‌اندازند در حالی که آن مردم بیچاره اساساً دغدغه‌ای به نام جنگ ندارند.

ماکیاولی: کیهان‌شناسی جنگ

ماکیاولی یکی از پرکارترین نویسندگان در موضوع تاریخ نظامی و «هنر» جنگ است و یکی از مهمترین فیلسوفان سیاسی جنگ به شمار می‌رود. با وجود این مشهور است که او توجه اندکی به جنبه‌های هنجاری جنگ و صلح داشت و جنگ را بر حسب ضرورت (و یا به فضیلت ضرورت) «موجه» می‌دانست که این به خودی خود به معنای انهدام مفهوم جنگ مشروع است. حتی به نظر می‌رسد او معتقد بود وقتی امنیت یک کشور کاملاً وابسته به یک تصمیم است اصلاً نباید توجهی به این مسئله کرد که آیا این تصمیم عادلانه است یا خیر. علی‌رغم همه‌ی این مشهورات، در چنین ساده‌سازی‌هایی غالباً نمی‌توان سیمای حقیقی یک اندیشمند را ملاحظه نمود. باید پرسید که ماکیاولی چه فهمی از مفاهیم جنگ و صلح دارد و چگونه آنها را توجیه می‌کند. آیا اساساً باید منتظر مباحث اخلاقی در خصوص جنگ باشیم؟ ماکیاولی به عنوان یکی از مهمترین اندیشمندان سیاسی تصور منسجم و روشنی درباره‌ی سرشت جنگ و صلح دارد. وقتی از چشم‌انداز سیاست به نظرات او درباب جنگ و صلح می‌نگریم ملاحظه می‌کنیم که او قید و بندهای بسیار مهمی (مهمتر از همه قید و بندهای سیاسی) را برای رفتار جنگی وضع کرده است. جنگ برای ماکیاولی به هیچ وجه منازعه‌ای بدون محدودیت نیست. شاید مهمترین دلیل سوءتفاهم درباب او را بتوان تأکید زیاد بر دو کتاب مهم او (شهریار و گفتارها) دانست. با این حال اگر به دیگر آثار او بنگریم (مثلاً تاریخ فلورانس، هنر جنگ یا نوشته‌های سیاسی کوچک) ایده‌های هنجاری درباره جنگ خواهیم یافت چنانکه گویی در این نوشته‌ها او در پی توجیه جنگ‌های خاص است. با کمی دقت می‌توان دریافت که ماکیاولی وقتی از جنگ و صلح حرف می‌زند از زبانی دین یا اخترشناختی بهره می‌برد و چنین زبانی بی‌تردید بخشی از آگاهی دینی-دانشی فلورانس در زمانه‌ی وی بوده است. در بنیاد نظریه‌ی سیاسی‌اَو به سادگی می‌توان یک کیهان‌شناسی و یک انسان‌شناسی پیشامدرن را ملاحظه نمود که برحسب آنها حرکت افلاک و اجرام سماوی تاثیری علّی بر انسان‌ها و دیگر نهادهای اجتماعی-سیاسی می‌گذارند. چرخه‌ی ناگزیر صلح و جنگ ظاهراً به همین کیهان‌شناسی مربوط است، گرچه نمی‌توان از حرص و طمع انسان در این چرخه گذشت. بیقراری و تلوّن افلاک و طبیعت ریشه‌ی جنگ است. ماکیاولی در رساله‌ی الاغ طلایی (The Golden Ass) مدعی است که سیارات و ستارگان بدون هیچ قراری سرگردانند و هیچ چیزی نیز بر روی زمین همواره در شرایط یکسان نمی‌ماند. جنگ و صلح و نفرت وابسته به همین جنبش سماوی است. بدیهی است که چنین نگاهی به سنت یونانی-هراکلیتوسی تعلق دارد. روابط دولت‌ها بی‌شباهت به روابط اجرام سماوی نیست. ساکن ماندن دولت‌ها ناممکن است شاید به همین دلیل است که مثلاً ماکیاولی به پاپ توصیه می‌کند در جنگ فرانسه-انگلستان با اسپانیا به هیچ وجه بی‌طرف نماند. بی‌طرفی دولت در تضاد با طبیعت آن قرار دارد و بی‌تردید منجر به تضعیف آن می‌شود. این الگوی چرخه‌ای و ادواری به عنوان مثال در رساله‌ی تاریخ فلورانس اینگونه وصف می‌شود: «دلیری صلح ایجاد می‌کند؛ صلح، آسودگی؛ آسودگی، بی‌نظمی؛ بی‌نظمی، خرابی؛ بدین‌ترتیب از بی‌نظمی نظم فوران می‌کند؛ از نظم ویرتو، و از اینْ شکوه و سرنوشت نیک.» و مجدداً: «ارتش‌ها پیروزی را تضمین می‌کنند و پیروزی صلح را...» سرشت موقتی صلح زمینی و ضرورت خشونت پیامد همین چرخه‌ی کیهان‌شناختی است. پیشتر گفتیم که نظریه‌ی جنگ مشروع اساساً گفتاری در کنترل جنگ بود و شاید چنین ادعایی را در مورد ماکیاولی هم بتوان طرح نمود. علی‌رغم تفاسیر عجیب و غریب و متنافر از آثار ماکیاولی شواهدی در دست داریم که ماکیاولی را اینگونه بخوانیم. به عنوان مثال در گفتارها ماکیاولی تأکید می‌کند که وقتی مردان سیاسی نیک (شهریاران نیک) فرمان می‌رانند جهان سرشار از صلح و عدالت می‌شود. البته نمی‌توان فراموش کرد که صحنه‌ی سیاسی ایتالیا در زمانه‌ی ماکیاولی به هیچ وجه شباهتی با «جهانی سرشار از صلح و عدالت» نداشت. با وجود این چنانکه از مفهوم ویرتو می‌توان فهمید ماکیاولی تماماً فردی سرنوشت‌گرا نبود. ویرتو اساساً به معنی توانستن و مقاومت در مقابل اثرات سرنوشت نیز است. سرنوشت حاکم بر نیمی از چیزهایی است که انجام می‌دهیم و نیم دیگر در کنترل خودمان است. البته میدان عمل کوچکی برای بهبود شرایط در اختیار داریم تا از ظهور جنگ جلوگیری کنیم، اما شرط امکان برای محدود کردن دامنه و آثار جنگ پذیرفتن و عمل کردن در درون همین شرایط است. به نظر می‌رسد ماکیاولی در این فقرات مشغول توصیف صرف صحنه‌ی سیاست است اما به هر حال نمی‌توان فراموش کرد که انسان‌ها همانگونه که جهان را می‌فهمند عمل می‌کنند و اجتناب ناپذیر دانستن جنگ دعوت انسان‌ها به جنگ نیز به نظر می‌رسد. تحلیل امر سیاسی صرفاً شفاف کردن صحنه‌ی سیاست نیست بلکه طرحی است برای برساختن آن است. در تحلیل نهایی نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که در آثار ماکیاولی نه تنها شرایط جنگ پذیرفته می‌شود بلکه ظاهراً اشتیاقی هم برای صلح وجود ندارد! ماکیاولی «شرایط جنگی» را امری دائمی می‌داند اما به وضوح تمایزی بین جنگ و صلح برقرار می‌کند. وقتی دولت‌ها دائماً با ارتش به یکدیگر می‌تازند طبیعتاً نمی‌توان چنین وضعیتی را صلح نامید و وقتی هیچ انسانی کشته نمی‌شود، هیچ شهری غارت نمی‌شود و هیچ امارتی سرنگون نمی‌شود نیز نمی‌توان آن را جنگ دانست. جنگ استفاده‌ی بالفعل از خشونت مخرب است و صلح غیاب این نوع خشونت. پس صلح همواره لطیف و خوش‌خیم نیست و چنانکه می‌دانیم بیشتر صلح‌ها جنگ‌مانند و در حاشیه‌ی جنگ تعریف می‌شوند. چنانکه ماکیاولی در تاریخ فلورانس مدعی است، صلح موجب رخوت و فساد می‌شود و حتی صلح ممتد جوهره و انرژی قدرت نظامی را می‌مکد و آمادگی برای چرخه‌ی بعدی جنگ را تخریب می‌کند. تا همین جا می‌توان به راحتی ملاحظه کرد که تصور ماکیاولی از صلح و جنگ اساساً تصوری است که ریشه در جهان کلاسیک دارد و در تحلیل نهایی می‌توان آن را مدرن‌سازی و تکمیل این ایده‌ی کلاسیک دانست. بدین‌ترتیب دوران صلح دوران آماده‌سازی برای جنگ بعدی است و چنان که می‌دانیم اینجا یکی از سرچشمه‌های تشکیل ارتش‌های حرفه‌ای است. ارتش‌های مزدوری چندان دل خوشی از دوران صلح ندارند و این به نوبه‌ی خود مسائل زیادی ایجاد کرده است. پیشنهاد ماکیاولی برای این مسئله تشکیل میلیشیایی دائمی است که در زمان صلح هم دوام دارد. میلیشیا مفهومی جدید در آثار ماکیاولی نیست و در فلورانس مسبوق به سابق است با این حال چنین مفهومی سرشت موقتی داشت و بیشتر در زمان بحران معنی می‌یافت.

جنگ و سیاست، اینهمانی سرباز و شهروند

جنگ از نظر ماکیاولی همبسته‌ی سیاست است و این دو حتی نوعی وحدت کارکردی را تقویم می‌کنند. این وحدت کارکردی را در این عبارت به خوبی می‌توان دید که «جنگ ابزار سیاست است». ماکیاولی را به دو نحو می‌توان خواند: چونان اندیشمندی نظامی یا چونان اندیشمندی سیاسی، اما به نظر می‌رسد این دو نوع قرائت در یک زمین اتفاق می‌افتند و این زمین چیزی نیست مگر مفهوم شهر با همه‌ی دلالت‌های آن. شهروند و سرباز (بخوانید ارتش و قانون) ارتباطی درونی در چارچوب دیوارهای شهر دارند. به گمان ماکیاولی هر جا ارتش خوبی وجود داشته باشد ضرورتاً قوانین خوبی نیز وجود خواهد داشت. ماکیاولی تأکید فراوان می‌کند که فعالیت سیاسی بدون محافظت نظامی «قصری پر از جواهر اما بدون سقف است» که دیر یا زود به مخروبه تبدیل خواهد شد. البته نیروی نظامی نباید مستقل از سیاست باشد و باید تحت کنترل شهریار یا جمهوری باقی بماند. پس غایت ارتش امری سیاسی است نه نظامی و این امر را می‌توان در نسبت نزدیک شهروند و سرباز یا به تعبیری همان مفهوم ارتش شهروندی دید. ارتش حرفه‌ای و منظمی که از حمایت ملی برخوردار باشد ایده‌ای بود که به واسطه‌ی مشکلات دسته‌های مزدور در کل اروپا شیوع یافت. ماکیاولی در رساله‌ی هنر جنگ مدعی است که اگرچه زندگی شهروندی و زندگی نظامی ناهمساز به نظر می‌رسند اما باید در نسبتی نزدیک باهم باشند. شهروند بهترین سرباز است و برای خانه و خانواده‌ی خود می‌جنگد و ذاتاً با ساختار سیاسی شهر متحد است. ارتش شهروندی برخلاف ارتش مزدوری میهن دارد. سرباز خوب بهترین شهروند است و شهروند خوب بهترین سرباز و فقط سرباز می‌تواند شهروندی خوب باشد! شهروند بدون ویژگی‌های یک سرباز اساساً نمی‌تواند در خدمت خیر عمومی باشد. البته منظور ماکیاولی از ارتش شهروندی جامعه‌ای مسلح نیست. شهروندی فرع و پیامد فضیلت سربازی است و در چارچوب کلی سیاست اساساً این دو اینهمان به حساب می‌آیند. طبیعتاً ماکیاولی خطرات چنین اتحادی را می‌داند؛ ارتش ممکن است در خدمت حاکمی مستبد قرار گیرد یا حتی به نفع «امر نظامی صرف» کودتا کند. به همین دلیل ارتش نیازمند «قیودی سیاسی» است برای ماکیاولی امر سیاسی همواره در اولویت قرار دارد.

ماکیاولی علی‌رغم آنکه حرص و طمع (و جنبه‌های پلید انسانی) را محرک و علت جنگ می‌داند، اما به خوبی به جنبه‌های تاریک جنگ التفات دارد. قضاوت‌های عاطفی و انسانی ماکیاولی درباب قساوت جنگ در آثار ادبی‌اش به خوبی پرده از این التفات برمی‌دارد. شاید به همین دلیل در گفتارها خشونت را آخرین پناهگاه در نظر می‌گیرد وقتی دیگر وسایل ناکافی از آب درمی‌آیند. چنانکه در تاریخ فلورانس می‌نویسد «حاکمی که از کمترین درجه‌ی انسانیت برخوردار باشد نمی‌تواند در فتحی که اتباعش رنجور و آزرده می‌شوند خوشی کند.»